



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. اخلاق؛ رذائل اخلاق؛ سب و لعن ناروا
۲. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ پیامبر خاتم؛ یاران و همسران پیامبر خاتم

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: علی راضی

تاریخ: ۱۳۹۴/۷/۲۶

اگر لعن کردن قاتلان و دشمنان اهل بیت موجب بروز اختلاف با برادران اهل سنت و جماعت شود، حکم چیست؟ در زیارت عاشورا به صراحت از برخی از آن‌ها نام برده شده است. بسیاری از اهل سنت و جماعت، یزید را به عنوان خلیفه‌ی مسلمین محترم می‌دانند. برخی از عالمانشان مثل امام محمد غزالی نیز لعن یزید و لشکرش را جایز نمی‌دانند و معتقدند که ممکن است خداوند آن‌ها را ببخشد!

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۴/۷/۲۷

اهل سنت و جماعت، لعن هیچ یک از صحابه را جایز نمی‌دانند، ولی نسبت به لعن دیگران، خصوصاً هرگاه قاتلان و دشمنان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشند، حساسیتی ندارند، بل گفته شده است که آنان بر جواز لعن کسی که حسین علیه السلام را کشته یا به کشتن او امر کرده یا به آن اجازه داده یا به آن راضی شده است، بدون تصریح به نام یزید، اتفاق نظر دارند^۱ و تنها اختلافشان در جواز لعن یزید با نام بردن از اوست. با این حال، قول مشهور از احمد بن حنبل (۲۴۱.۵ق) جواز لعن یزید با نام بردن از اوست؛ زیرا روایت شده است که به فرزندش گفت: «وَكَيْفَ لَا أَلْعَنُ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ؟!»^۲ «و چگونه لعن نکنم کسی را که خداوند عز و جل در کتابش او را لعن کرده است؟!» پس فرزندش گفت: «وَأَيُّنَ لَعَنَ اللَّهُ يَزِيدَ فِي كِتَابِهِ؟!» «خداوند در کجای کتابش یزید را لعن کرده است؟!» پس احمد این آیه را خواند: ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ﴾^۳ «پس آیا ممکن است که چون به حکومت دست یابید در زمین فساد انگیزید و پیوندهاتان را قطع

۱. الصواعق المحرقة لابن حجر الهيتمي، ج ۲، ص ۶۳۸

۲. محمد/ ۲۲ و ۲۳

کنید؟! آنان کسانی هستند که خداوند لعنت‌شان کرده، پس کرشان ساخته و دیدگانشان را کور نموده است»^۱. قاضی ابو یعلی (د. ۴۵۸ق) پس از ذکر این روایت گفته است: «هَذِهِ الرَّوَايَةُ إِنِّ صَحَّتْ فِيْهَا صَرِيحَةٌ فِي مَعْنَى لَعْنِ يَزِيدٍ»^۲؛ «این روایت اگر صحیح باشد، صریح در جواز لعن یزید است». به همین دلیل، ابن جوزی (د. ۵۹۷ق) گفته است: «أَجَارَ الْعُلَمَاءُ الْوَرَعُونَ لَعْنَهُ»^۳؛ «عالمان اهل ورع، لعن او را جایز دانسته‌اند» و ابن خلکان (د. ۶۸۱ق) در شرح حال علی بن محمد بن علی طبري، ملقب به عماد الدین و معروف به کیا هراسی فقیه شافعی (د. ۵۰۴ق) گفته است که وقتی از او درباره یزید سؤال شد، گفت: «فِيهِ لِأَحْمَدَ قَوْلَانِ تَلْوِيحٌ وَتَصْرِيحٌ، وَلِمَالِكٍ قَوْلَانِ تَلْوِيحٌ وَتَصْرِيحٌ، وَلِأَبِي حَنِيفَةَ قَوْلَانِ تَلْوِيحٌ وَتَصْرِيحٌ، وَلَنَا قَوْلٌ وَاحِدٌ التَّصْرِيحُ دُونَ التَّلْوِيحِ، وَكَيْفَ لَا يَكُونُ كَذَلِكَ؟! وَهُوَ اللَّاعِبُ بِالرَّزْدِ وَالْمُتَصَيِّدُ بِالْفُهْودِ وَمُذْمِنُ الْخَمْرِ، وَشَعْرُهُ فِي الْخَمْرِ مَعْلُومٌ»^۴؛ «درباره ی (چگونگی لعن) او از احمد دو قول رسیده، یکی تلویح و دیگری تصریح و از مالک دو قول رسیده، یکی تلویح و دیگری تصریح و از ابو حنیفه دو قول رسیده، یکی تلویح و دیگری تصریح، ولی برای ما یک قول است و آن تصریح بدون تلویح است؛ و چگونه چنین نباشد؟! در حالی که او نرد می‌بخت و با یوزپلنگ‌ها به شکار می‌رفت و به نوشیدن خمر معتاد بود و شعر او در خمر معروف است» و تفتازانی (د. ۷۹۳ق) در شرح العقائد النسفیة گفته است: «الْحَقُّ أَنَّ رِضَا يَزِيدَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ وَاسْتِبْشَارُهُ بِذَلِكَ وَإِهَانَتُهُ أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِمَّا تَوَاتَرَ مَعْنَاهُ وَإِنْ كَانَ تَفَاصِيلُهُ أَحَادًا، فَتَحْنُ لَا نَتَوَقَّفُ فِي شَأْنِهِ بَلْ فِي إِيمَانِهِ، لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ»^۵؛ «حقیقت آن است که رضایت یزید از کشته شدن حسین و شادمانی‌اش از آن و اهانتش به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و سلم تواتر معنوی دارد، اگرچه جزئیات آن (اخبار) آحاد است، پس ما در شأن او، بلکه در عدم ایمان او توقف نمی‌کنیم؛ لعنت خداوند بر او و بر یاران و همدستانش باد» و ابن تغری بردي (د. ۸۷۴ق) نیز گفته است: «لَا يَشْكُ مَنْ لَهُ ذَوْقٌ وَعَقْلٌ صَحِيحٌ أَنَّ يَزِيدَ رَضِيَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ وَسُرِّ بِمَوْتِهِ؛ فَهُوَ مَلْعُونٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَبِكُلِّ طَرِيقٍ»^۶؛ «کسی که ذوق و عقل سالمی دارد، تردید نمی‌کند که یزید به کشتن حسین راضی بوده و از مرگ او خوشحال شده، پس او در هر حال و به هر صورت ملعون است» و سفارینی (د. ۱۱۸۸ق) نیز گفته است: «أَكْثَرُ الْمُتَأَخِّرِينَ مِنَ الْحُقَاطِ وَالْمُتَكَلِّمِينَ يُجِيزُونَ لَعْنَةَ يَزِيدَ اللَّعِينِ، كَيْفَ لَا؟! وَهُوَ الَّذِي فَعَلَ الْمُعْضَلَاتِ، وَهَتَكَ سِتْرَ الْمُحَدَّرَاتِ، وَأَنْتَهَكَ حُرْمَةَ أَهْلِ الْبَيْتِ، وَأَذَى سِبْطِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ حَيٌّ وَمَيِّتٌ، مَعَ مُجَاهَرَّتِهِ بِشَرْبِ الْخُمُورِ وَالْفُسْقِ وَالْفُجُورِ»^۷؛ «بیشتر حافظان و متکلمان متأخر (از اهل سنت و جماعت)، لعن یزید لعین

۱. الرّد على المتعصب العنيد المانع من ذم يزید لابن الجوزي، ص ۴۱

۲. الآداب الشرعية لابن مفلح، ج ۱، ص ۲۷۴

۳. الرّد على المتعصب العنيد المانع من ذم يزید لابن الجوزي، ص ۳۴

۴. وفيات الأعيان لابن خلکان، ج ۳، ص ۲۸۷

۵. شرح العقائد النسفیة للتفتازاني، ص ۱۰۳

۶. مورد اللطافة في من ولي السلطنة والخلافة لابن تغري بردي، ج ۱، ص ۶۷

۷. غذاء الألباب في شرح منظومة الآداب للسفاريني، ج ۱، ص ۱۲۳

را روا می‌دانند. چگونه چنین نباشد؟! در حالی که او کسی بود که کارهای فجیع انجام داد و از بانوان مخدّره پرده درید و اهل بیت را هتک حرمت کرد و سبط پیامبر صلی الله علیه و سلّم را در حیات و مماتش آزار داد، جدا از تهاوری که به نوشیدن خمر و فسق و فجور داشت» و ابن جوزی (د. ۵۹۷ق) نیز کتابی درباره‌ی جواز لعن یزید نوشته که آن را «الرّدّ علی المتعصّب العنید المانع من ذمّ یزید»؛ «پاسخ به متعصّب لجوجی که از ذمّ یزید منع کرده» نامیده و در آن به عبد المغیث حربی (د. ۵۸۳ق) که از این کار نهی می‌کرد، پاسخ داده است. همچنین، از ابن وزیر (د. ۸۴۰ق) نیز سخن مفصّلی در «العواصم والقواصم» آمده که در آن از جنبه‌های مختلف، پاسخ ابو حامد غزالی را داده و امیر علی شیر نوایی (د. ۹۰۶ق) نیز در پاسخ به او خوب گفته، هنگامی که سروده است:

ای که گفتی بر یزید و آل او لعنت مکن
زان که شاید حق تعالی کرده باشد رحمتش
آنچه با آل نبی کرد او اگر بخشد خدای
هم ببخشد مرا گر کرده باشم لعنتش!



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معصوم‌ها شیخ خراسانی
محکم دلائل و سبب‌ها را در اختیار شما قرار می‌دهد



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معصوم‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.